

اگر

نشریه ماهانه مدافعان سوسیالیسم علمی

شماره ۵، اردیبهشت ۱۳۷۷
(مه ۱۹۹۸)

فرخنده باد جشن اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان جهان!

پیوند مبارزات صنفی کارگران و زحمتکشان با مبارزات عام سیاسی مهم‌ترین شرط و تنها ضامن پیروزی جنبش است!

در صفحه ۲

دولت پس از بیست سال برای تعاونی‌ها چه کرده است؟

در صفحه ۳

دستیابی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بدون گسترش تعاونی‌ها امکان‌پذیر نیست

میلیونی زحمتکشان کشور بدین شرح تعیین نمود: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی‌ها، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر، که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد».

تعمقی در این بند از اصل ۴۳ قانون اساسی، نقش کلیدی بخش تعاونی را در دستیابی به اهداف اولیه انقلاب بهمن ۵۷، هم از نظر استقلال اقتصادی، هم از نظر تضمین آزادی‌های دموکراتیک برای توده‌های میلیونی مردم زحمتکش، و هم از نظر استقرار عدالت اجتماعی در سطح جامعه به خوبی آشکار می‌سازد. به عبارت دیگر، قانون اساسی همه آرمانهای انقلاب بهمن را در بخش تعاونی اقتصاد کشور خلاصه کرده و دستیابی به آنها را منوط به گسترش این بخش نموده است. در چنین شرایطی، به خوبی روشن است که عدول از وظیفه گسترش این بخش کلیدی از اقتصاد تنها می‌تواند به معنای عدول آشکار از آرمانهای اولیه انقلاب بهمن ۵۷ تعبیر شود.

ادامه در صفحه ۳

«جبهه دفاع از آرمانهای انقلاب»: ضرورتی اجتناب‌ناپذیر!

(۳) خواست‌ها و شعارهای مرحله‌ای جبهه

بین‌المللی پول؛ سوء استفاده از قوانین و مقررات دولتی یا تخلف از آنها برای تحکیم سلطه غارتگرانه خود؛ و دامن زدن به فساد اداری و اختلاس اموال دولتی و عمومی، عرصه زندگی را برای اکثریت قریب به اتفاق مردم میهن ما به شدت تنگ و غیرقابل تحمل کرده‌اند. جناح‌های مدافع سرمایه بزرگ، وضع فاجعه بار کنونی در میهن ما را از طریق سرکوب خشن مدافعان راستین خواست‌های اولیه انقلاب بهمن ۵۷، اعم از مذهبی و غیرمذهبی، قبضه غیرقانونی قدرت دولتی، و در یک کلام، نقض آشکار اصول مترقی و مردمی قانون اساسی برخاسته از انقلاب بهمن ۵۷ ایجاد کرده‌اند. در نتیجه می‌توان و باید با تکیه بر اصول مردمی همین قانون اساسی و ایجاد یک جنبش گسترده توده‌ای در سطح جامعه، تعرض همه جانبه جناح‌های سرمایه بزرگ به انقلاب را متوقف کرد و آنها را از جایگاه کنونی شان در درون حاکمیت به زیر کشید.

نکته مهمی که در رابطه با سازماندهی طیف رنگارنگ نیروهای

ادامه در صفحه ۵

با سلطه فزاینده جناح‌های سرمایه بزرگ بر حاکمیت جمهوری اسلامی در دوران پس از انقلاب، بسیاری از هدف‌های اولیه انقلاب بهمن ۵۷، از جمله بسیاری از اصول مترقی مندرج در قانون اساسی، در محاق قرار گرفتند و به بوته فراموشی سپرده شدند. از جمله مهم‌ترین این خواست‌ها، که در قوانین اساسی کشور نیز تبلور آشکار یافت، مسأله گسترش بخش تعاونی در اقتصاد کشور بود. اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، که بیش از هر چیز زیر فشار و بنا به خواست عمومی کارگران و زحمتکشان میهن ما در این قانون گنجانده شدند، نظام اقتصادی کشور را «بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی صحیح و منظم» استوار ساختند و هدف اساسی ساختار اقتصادی کشور را «تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان، با حفظ آزادی او» قرار دادند.

در راستای دستیابی به این اهداف، و به منظور جلوگیری از تمرکز بی‌رویه ثروت و سرمایه در دست عده‌ای معدود، اصل چهارم و چهارم قانون اساسی، بخش خصوصی اقتصاد را به عنوان بخش «مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی» اعلام کرد و بند ۲ اصل چهارم و سوم قانون اساسی، نقش پایه‌ای تعاونی‌ها را در دستیابی به عدالت اجتماعی برای توده‌های

در چارچوب شرایط موجود، عمده‌ترین هدف «جبهه دفاع از آرمانهای انقلاب» پایان بخشیدن به سلطه دیکتاتوری دو جناح بورژوازی بزرگ بر حاکمیت و کل جامعه، مبارزه با هر شکل از استبداد و انحصارطلبی در حکومت، دفاع از آرمانهای انقلاب در مقابل یورش‌ها و حملات جناح‌های ارتجاعی سرمایه بزرگ درون حاکمیت است. جناح‌های سرمایه بزرگ درون حاکمیت و حامیان آنها در حکومت امروز با تعطیل حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مندرج در قانون اساسی از طریق وضع قوانین مدنی و جزایی ارتجاعی، دست زدن به سرکوب، ارباب و پیگرد سیاسی، به ویژه علیه دگراندیشان و زنان میهن ما، و ایجاد گروه‌های فشار در سطح جامعه؛ شانه خالی کردن از تعهدات قانونی دولت در قبال زحمتکشان، از جمله تأمین آموزش، بهداشت، مسکن، کار، بیمه‌های اجتماعی، حداقل رفاه و غیره؛ نقض استقلال سیاسی و اقتصادی کشور از طریق تسلیم شدن به سیاست‌های نئولیبرالی، ضد مردمی، ضد انسانی و امپریالیستی بانک جهانی و صندوق

حکم محکومیت «طرح انطباق امور پزشکی با موازین شرعی» از هم اکنون از سوی مردم صادر شده است!

روز دوم اردیبهشت، کلیات طرح «انطباق امور اداری و فنی پزشکی با موازین شرع مقدس» از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و بررسی و تصویب جزئیات آن به شور دوم در مجلس واگذار شد. طبق کلیات تصویب شده این طرح، ارائه کلیه خدمات پزشکی و کمک پزشکی، از تشخیص و درمان گرفته تا حمل و نقل بیماران و بخش اورژانس، می‌بایست توسط پرسنل همجنس صورت گیرد، و در مواقع ضروری، با تشخیص مسئول مرکز و در حضور یکی از محارم بیمار، کمک پزشکی لازم توسط پرسنل غیرهمجنس ارائه شود. در این طرح مجازات‌های متخلفین نیز در مراحل مختلف پیش بینی شده است. پیش از شروع بحث پیرامون طرح مذکور در مجلس، کمیسیون‌های «ارشاد و هنر اسلامی» و «امور نهادهای انقلابی» مجلس، و همچنین وزیر بهداشت و هیأت دولت نیز عمدتاً به دلیل داشتن «بار مالی»، با این طرح مخالفت کرده بودند.

در پی آغاز بحث درباره طرح انطباق امور پزشکی، و به ویژه بعد از تصویب کلیات آن، موجی از اعتراض و مخالفت از سوی مردم به راه افتاد. جامعه پزشکیان و مراکز مختلف آموزش پزشکی در سراسر کشور، با برگزاری نشست‌ها و ارسال بیانیه‌ها، قطعنامه‌ها و نامه‌های سرگشاده، با طرح فوق که به درستی «جداسازی جنسی در امور پزشکی» نام گرفت، به شدت مخالفت کردند و خواهان فراموش کردن این طرح شدند. اعتراض کنندگان، ضمن تأکید بر وضع

ادامه در صفحه ۵

پیرامون سخنان اخیر فرمانده کل سپاه پاسداران

«سرلشکر رحیم صفوی» از جایگاه

«رضاخان میرپنج» مردم را تهدید می‌کند!

«حکم می‌کنم!

مشتی مردمان خائن زمام امور کشور را بدست گرفته و آن را تاکنون بلب پرتگاه نیستی کشانیدند. ما قزاقان... فداکار حقیقی شاه و کشور هستیم و برای پایان دادن به این اوضاع ناگوار کمر همت بسته و آمده ایم تا خائنین را به سزای خود برسانیم و پشتیبان حکومت نیرومندی درخور عظمت و شئون کشور باشیم. لذا حکم می‌کنم که مردم فقط صلاح کشور و وطن را در نظر بگیرند و خود را برای خدمتگذاری آماده کنند.... متخلفین سخت مجازات میشوند. رضا»

بخشی از اعلامیه رضاخان میرپنج پس از منصوب شدن به فرماندهی بریگاد قزاق

«... بعضی‌ها را باید گردن بزینم و بعضی‌ها را زبانشان را قطع کنیم. زبان ما شمشیر ما است... در ارتباط با مسائل تهران اخلاص در تمامی اینها با هماهنگی وزارت کشور بوده است. فلسفه سپاه این است که از انقلاب دفاع کند و ما تنها یک ارگان نظامی نیستیم بلکه در زمینه عقیدتی سیاسی هم عمل می‌کنیم... این روزها روزنامه‌ها و نشریاتی چاپ می‌شود که امنیت ملی کشور را در خطر قرار داده‌اند... من با آقای مهاجرانی یک ساعت بحث کردم و گفتم راه شما، امنیت ملی را تهدید می‌کند، شما می‌دانید به کجا می‌روید؟... ما دنبال این هستیم ریشه ضدانقلاب را در هر کجا که هستند، بزینم... آنها با توپخانه فرهنگی وارد میدان شدند، لیبرالها دانشگاه‌های ما را گرفته‌اند و جوانان ما شعار مرگ بر استبداد سر می‌دهند.»

از سخنان فرمانده کل سپاه پاسداران در جمع فرماندهان سپاه، (۷ اردیبهشت ۷۷)

مبارزان راستین راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما، برای دهه‌ها معنای واقعی این سخنان آشنا را با پوست و گوشت خود در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام لمس کرده‌اند. برای آنها، شنیدن این گونه سخنان نه تنها هیچ تازگی ندارد، بلکه آنان را در ادامه مبارزه خود مصمم تر می‌سازد. آنها می‌دانند تا زمانی که صاحبان قدرت و منصب در ایران به خود جرأت می‌دهند این گونه سخنان گستاخانه، قلدرمنشانه، و ضد مردمی را بر زبان آورند، مبارزه برای تحقق آرمانهای انقلاب بزرگ بهمن ۵۷ هنوز به سرانجام لازم خود نرسیده است و باید همچنان ادامه یابد.

سخنان سرلشکر رحیم صفوی به موجی از حس انزجار و نفرت در میان مردم، و حتی سبلی از تمییح و تکفیر از سوی حامیان حکومت، دامن زد. عده‌ای این گفته‌ها را «وحشتناک»، عده‌ای دیگر «توهین آمیز و نگران کننده» و باز عده‌ای دیگر «کودتایی» خواندند. یکی گفت که «آقای صفوی دچار وهم یک قدرت کاذب شده‌اند» و دیگری اعلام کرد که «برادر عزیز، اینجا ترکیه نیست!» یکی گفت که «اظهارات آقای صفوی امنیت کشور را به خطر می‌اندازد» و دیگری به درستی افزود «کسی که در اندیشه گردن زدن و بریدن زبان باشد هفتاد سال از تحولات تاریخی مملکت عقب است!» اما، هیچ کس نپرسید که این فرد، به اتکای کدام مرکز قدرت اینگونه گستاخانه سخن گفته و اینچنین از جایگاه «رضاخان میرپنج» به تهدید مردم پرداخته است؟ گویی در این شرایط حساس، فقط خطی از فرماندهی جاه طلب و نادان سرزده است! اما چنین نیست. کسانی که آشکارا با مردم و در مورد مردم چنین سخن می‌گویند، نه تنها «هفتاد سال از تحولات تاریخی عقب» هستند، بلکه آگاهانه می‌کوشند تا تحولات تاریخی را هفتاد سال نیز به عقب برگردانند. به این بخش از اطلاعیه روابط عمومی سپاه پاسداران در دفاع از گفته‌های سرلشکر صفوی توجه کنیم: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ضمن تأکید بر ضرورت هوشیاری بیش از پیش آحاد مردم نسبت به توطئه‌های پیدا و پنهان دشمنان ملت، بدان دسته از مطبوعات و قلم‌های مسموم و مشکوکی که از فضای آزاد کشور و نجابت و بردباری نیروهای انقلاب سود جسته و با القاء اندیشه‌های بیمار و افکار آلوده در صدد انحراف اذهان از توطئه‌ها و خصومت‌های دشمنان سوگند خورده ایران اسلامی می‌باشند... و در صدد بروز تشنج

ادامه در صفحه ۲

در صفحات بعد

بخشنامه ضدکارگری سازمان تأمین اجتماعی باید پس گرفته شود!

(صفحه ۴)

انقلاب علمی - فنی و سوسیالیسم

گاسی هال

(صفحه ۶)

افشاگری‌های سیاسی و

«پرورش روح فعالیت انقلابی»

و.ای. لنین

(صفحه ۶)

امپریالیسم برای تاراج منابع

نفت و گاز دریای خزر باز می‌گردد

(صفحه ۷)

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه دفاع از آرمانهای انقلاب!

نقش تعاونی ها در تحقق آرمانهای اولیهٔ انقلاب

اهمیت بخش تعاون در کشور ما، نه فقط به خاطر جایگاه تعریف شدهٔ آن در قانون اساسی، بلکه به دلیل نقش ویژه ای است که تعاونی ها در کشورهای رشد نیافته ای مانند ایران در همهٔ عرصه های اجتماعی ایفا می کنند. این نقش ازعرصهٔ اقتصادی بسیار فراتر می رود و زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را نیز در بر می گیرد.

از نظر اقتصادی: تعاونی ها، جدا از کمک به ایجاد امکانات رفاهی و تأمین اجتماعی اعضای خود و خانواده های آنان، به طرق گوناگون به رشد اقتصادی جامعه و تضمین عدالت اجتماعی یاری می رسانند:

۱- تعاونی ها با گرد هم آوردن انبوه تولیدکنندگان کوچک و دارندگان ابزارهای تولید ابتدایی، امکان ادارهٔ کم و بیش مستمرکز تولید را برای تولیدکنندگان کوچک فراهم می آورند.

۲- تعاونی ها، عرصه های پرانکندهٔ اقتصادی را که به علت پراکندگی موجود تابع برنامه ریزی های دولتی نیستند، متمرکز می کنند و آنها را به عرصه هایی فعال و مؤثر برای اجرای سیاست های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بدل می سازند.

۳- با گسترش تعاونی ها، امکان قرار دادن پیشرفته ترین دستاوردهای علم و فن در اختیار تولیدکنندگان کوچک، که به تنهایی قادر به دستیابی به آن نیستند، فراهم می آید. این مسأله به ویژه در عرصهٔ تولید کشاورزی از اهمیت ویژه و تعیین کننده برخوردار است.

۴- تعاونی ها، به ویژه از طریق حمایت و جلوگیری از ورشکستگی تولیدکنندگان کوچک در برابر سرمایه داران بزرگ بخش خصوصی، نقشی اساسی در کنترل و کاهش نرخ بیکاری در سطح کشور ایفا می کنند.

۵- تعاونی ها، از طریق در اختیار گرفتن شبکه های توزیع کالاها در سطح کشور و حذف واسطه ها و سلف خرها، عاملی مؤثر و تعیین کننده برای جلوگیری از احتکار، کنترل نرخ تورم و افزایش بی رویهٔ بهای کالاهای اساسی هستند.

۶- از طریق کنترل نرخ تورم و کاهش بهای کالاهای اساسی، که به جلوگیری از خارج شدن نقدینگی محدود طبقات محروم و زحمتکش از دست آنان می انجامد، تعاونی ها نقشی اساسی در ممانعت از تمرکز بی رویهٔ ثروت و سرمایه در دست سرمایه داران بخش خصوصی، و تضمین عدالت اجتماعی برای توده های میلیونی زحمتکشان ایفا می کنند.

۷- تعاونی های روستایی، به ویژه تعاونی های تولید کشاورزی، نقشی کلیدی در افزایش تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی، و از این طریق، جلوگیری از افزایش وابستگی کشور به واردات مواد غذایی دارند.

از نظر سیاسی: اگر بپذیریم که یکی از علل اساسی عقبگرد روند انقلابی در میهن ما، خارج کردن مردم از صحنهٔ سیاسی و اجتماعی، و جلوگیری از مشارکت آنها در تعیین سرنوشت کشور بوده است، آنگاه به نقشی که تعاونی ها در تضمین حضور و مشارکت توده های میلیونی مردم و به ویژه زحمتکشان در روند تصمیم گیری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارند پی می بریم. یکی از شعارهای عمدهٔ آقای خاتمی در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، «استقرار جامعهٔ مدنی همراه با عدالت اجتماعی» بود. توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان میهن ما این شعار آقای خاتمی را به دلیل مبتنی بودن «جامعهٔ مدنی» مورد نظر ایشان بر اصل «عدالت اجتماعی» پذیرفتند زیرا به خوبی می دانستند که «جامعهٔ مدنی» بدون عدالت اجتماعی چیزی جز یک دموکراسی غربی مبتنی بر بازار آزاد و سلطهٔ مطلق سرمایه داران بزرگ بخش خصوصی نخواهد بود.

گسترش یک «جامعهٔ مدنی» مبتنی بر عدالت اجتماعی، تنها می تواند از طریق گسترش و حاکم کردن بخش تعاونی بر اقتصاد کشور تحقق یابد. و این واقعیتی است که دولت آقای خاتمی نیز به آن اذعان دارد. به عنوان مثال، مهندس مرتضی حاجی، وزیر تعاون، در مصاحبهٔ خود با روزنامهٔ «سلام»، نقش کلیدی بخش تعاونی را در تحقق شعارهای آقای خاتمی و دستیابی به آرمانهای آزادی و عدالت اجتماعی چنین بیان کرده است: «در بخش اقتصادی، قانونگذار محترم و مردم رشید در قانون اساسی مسیر تحقق عدالت اجتماعی را تعاونی ها تشخیص داده اند... بخش تعاون بخش متعادل کنندهٔ بخش های دولتی و خصوصی است: از یک طرف در این بخش همهٔ اختیارات و تصمیم گیری ها در دست دولتمردان نیست و از سوی دیگر، بخش خصوصی با انباشت ثروت نمی تواند قدرت فائقه ای در تصمیم سازی نظام داشته باشد. به عبارتی، بخش تعاون، یا بخش مردم، میدان دار اقتصاد کشور خواهد بود. بنابراین، چنانچه تعاونی ها را گسترش دهیم، خود به خود به سمت تحقق عدالت اجتماعی که مهم ترین خصایص و ویژگی های جامعهٔ مدنی است حرکت کرده ایم.»

بدین ترتیب، می توان گفت که تعاونی ها، علاوه بر نقش اقتصادی خود، عامل تعیین کننده ای در «متعادل کردن» روابط قدرت در سطح جامعه، و پایه های نوین سازماندهی مردم و تضمین حضور آنها در عرصهٔ سیاسی هستند. گسترش بخش تعاونی و گردهم آیی توده های میلیونی زحمتکشان بر پایهٔ دموکراتیک در نهادهای جمعی مانند تعاونی ها، برای آنان قدرتی ایجاد می کند که بتوانند از یک سو مانع زیاده روی های دولت شوند و از سوی دیگر از سلطهٔ مطلق سرمایه داران بزرگ بر سرنوشت کشور جلوگیری نمایند.

از نظر فرهنگی: از آنجا که تعاونی ها بر اصل «اصالت کار»، به ویژه

کار جمعی، و نه اصالت سرمایه و سود، استوارند، می توانند به آموزشگاهی بزرگ برای ایجاد حس همکاری و همیاری میان توده های میلیونی زحمتکشان بدل شوند. با گسترش تعاونی ها، فرهنگ کار جمعی به شکلی همه جانبه امکان رشد پیدا می کند و عشق به کار خلاق و تولید بیشتردر میان اعضای آن فزونی می یابد. گسترش تعاونی ها در ایجاد و پذیرش تدریجی روحیهٔ مالکیت جمعی بر ابزار تولید در میان زحمتکشان نقشی اساسی بازی می کند. به گفتهٔ وزیر تعاون: «یکی از دستاوردهای مهم بخش تعاون تقویت روحیهٔ همکاری و مشارکت و مسؤولیت پذیری است... این احساس مسؤولیت تأثیرخودش را در صحنهٔ اجتماع نشان می دهد و تعاون گران تکلیف جدی تری در مسایل اجتماعی احساس می کنند: در انتخاب نمایندگان و مسؤولان اجرایی، در نظارت بر عملکرد و تذکر نقاط ضعف و پیشنهادات سازنده، که تحقق ارزش های این روحیه ... در بین مردم، تحقق ارزش های جامعهٔ مدنی را تسهیل خواهد کرد.»

از همین مختصر می توان به نقش مهم و تعیین کنندهٔ تعاونی ها در دستیابی به آرمانهای اولیهٔ انقلاب، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به خوبی پی برد. سؤال اساسی این است که در رابطه با این اهداف بزرگ انقلاب مردم، امروز بخش تعاونی در میهن ما در چه وضعیتی قرار دارد و دولت برای گسترش آن چه انجام داده است و برنامهٔ آن برای گسترش این بخش در آینده چیست؟

ادامه دارد

اخگر

دولت پس از بیست سال برای تعاونی ها چه کرده است؟

آنچه در زیر آمده است گزیدهٔ مصاحبهٔ اختصاصی روزنامهٔ «سلام» با آقای مرتضی حاجی، وزیر کنونی تعاون جمهوری اسلامی است. این مصاحبه، در دو شمارهٔ نهم و دهم فروردین ماه ۱۳۷۷ این روزنامه انتشار یافته است. ما از هرگونه توضیح اضافی در رابطه با این مصاحبه خودداری می کنیم و قضاوت در مورد آن را به خوانندگان آگاه «اخگر» وا می گذاریم.

در رابطه با اعطای وام بدون بهره:

■ **خبرنگار «سلام»:** «صندوق تعاون اعطای وام به تعاونی ها را مشروط به خرید کالا از شرکت خدمات تعاون عنوان کرده است. به عبارتی، تعاونی ها هم باید به صندوق تعاون سود وام پرداخت کنند و هم به شرکت خدمات تعاون سود کالا بپردازند که این امر موجب می شود گرفتن وام از صندوق تعاون بعضاً گرانتر از بانک ها تمام بشود. بدیهی است این امرخود به خود موجب گرانی کالا در تعاونی ها می شود. متذکر می گردد در بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی وام بدون بهره جهت جلوگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص و مانع شدن از تبدیل دولت به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق پیش بینی شده است. در این ارتباط تاکنون چه مبلغی و عمدتاً به کدام تعاونی ها وام بدون بهره پرداخت شده است؟»

● **مرتضی حاجی، وزیر تعاون:** «اگر منظور از بهره همان کارمزد باشد، از آن جایی که منبع تأمین کنندهٔ این وام ها بانک ها هستند، تقریباً می توان گفت وام بدون بهره وجود ندارد. صندوق تعاون هم یک سرمایهٔ مختصری حدود ۱۰ میلیارد تومان در اختیار دارد که در قیاس با شبکهٔ عظیم تعاونی ها[!!!] به هیچ وجه رقم قابل توجهی نیست. این صندوق صرفاً برای خدمات به تعاونی ها تأسیس شده و من بعید می دانم اعطای وام را مشروط به خرید کالا از شرکت خدمات اعلام کرده باشد زیرا شرکت خدمات کالای خاصی در اختیار ندارد تا بخواهد از این طریق آن را به فروش برساند. شرکت خدمات برحسب نیاز تعاونی ها گاهی برای یک تعاونی و گاهی برای گروهی از آنها یک کالای مشترک مورد نیاز از خارج خریداری و وارد می کند. قطعاً سود دریافتی شرکت خدمات و همچنین کارمزد وام به صندوق تعاون در این امر کمتر از هزینه هایی است که این شرکت ها فرضاً اگر می خواستند خود رأساً وارد کنند، می باشد. اگر موردی است که سود شرکت خدمات و وام صندوق تعاون بیشتر از اقدام خود تعاونی ها در ورود کالا برآورد می شود، دوستان[!] به اینجانب گزارش کنند[!!] تا به طور قطع از آن جلوگیری نمایم.» [!!! [یعنی به ما مربوط نیست، خودتان بروید پیگیری کنید!]]

■ **سؤال:** «می فرمایید وام بدون بهره نداریم. پس اشارهٔ بند ۲ مادهٔ ۴۳ قانون اساسی به کدام موارد است؟»

● **وزیر تعاون:** «وام بدون بهره زمانی تحقق می یابد که دولت در ردیف های خود سهمی را برای مورد خاصی پیش بینی کند تا بدین ترتیب از محل سهم خود دولت وام بدون بهره پرداخت شود و تا امروز چنین رویدادی سابقه نداشته است...» [!!!]

از نظر تأمین مالی تعاونی ها توسط بانک ها:

■ **سؤال:** «واقعاً آیا تعاونی ها آنقدر پول دارند که هم در صندوق تعاون و هم در بانک تعاون سرمایه گذاری کنند؟ ... ضمن آن که مدیران شرکت های تعاونی مدعی هستند اگر آنها فرضاً بتوانند به صورت کلان در بانک ها سرمایه گذاری کنند، بانک ها می گویند برای طرح شما پول خودتان کفایت دارد، بروید و با همان کار کنید...»

● **وزیر تعاون:** «خدمات ارائه شده توسط بانک ها تماماً از محل سرمایهٔ بانک ها نیست. سرمایهٔ اولیه رقمی است که بانک بر اساس آن تأسیس می شود، اما منابع بانک ها از محل سپرده های مختلف مردم است. شرکت های تعاونی و مردم علاقه مند به توسعهٔ تعاون و اعضای میلیونی تعاونی ها انگیزهٔ زیادی دارند که از طریق بانک خودشان امور تجاری و پس اندازشان را انجام بدهند. خانوادهٔ بخش تعاون در کشور حدود ۱۰، ۱۲ میلیون عضو دارد که با تشویق آنها به پس انداز در بانک تعاون، حجم عظیمی از نقدینگی این بانک تأمین می شود... لذا هیچ جای نگرانی از جهت تأمین منابع مورد نیاز بانک تعاون نخواهد بود.»

از نظر تبلیغات برای رشد تعاونی ها:

■ **سؤال:** «یکی از راه های مناسب تحقق فیزیکی این امر [گسترش تعاونی ها] در جامعه، تبلیغات، اطلاع رسانی و فرهنگ سازی است. متأسفانه بخش تعاون چه در مدیریت گذشته و چه در مدیریت جناب عالی در این امر بسیار ضعیف عمل کرده است. علت آن چیست؟»

● **وزیر تعاون:** «از آن جایی که وزارت تعاون یک سازمان تبلیغاتی نیست، دولت برای بخش تبلیغات و اطلاع رسانی بودجه ای به آن اختصاص نمی دهد[!]. اما این که وزارت تعاون از خدمات سازمان ها و وزارتخانه هایی که تکلیفشان تکلیف تبلیغی، اطلاع رسانی و فرهنگی است استفاده کند، گفتهٔ شما صحیح است. برای این امر مهم گفت و گوهایی با صدا و سیما داشته ایم و به توافق هایی هم برای تولید برنامه های ثابت و هفتگی رادیویی[پس فقط با «صدا» مذاکره شده است و نه با «سیما»] و همچنین تولید فیلم دربارهٔ عملکرد تعاونی ها و ترویج آنها دست یافته ایم. اتاق تعاون نیز مشغول اخذ مجوز[!!!] و سایر اقدامات لازم در جهت انتشار روزنامهٔ تعاون است.» [!!! [تازه بعد از ۲۰ سال می خواهند از خودشان مجوز بگیرند؟]]

از نظر تسهیل کار تعاونی ها:

■ **سؤال:** «حضرت عالی یکی از برنامه های آتی وزارت تعاون را محدود ساختن دولت و وزارت تعاون در حدود حمایت، نظارت، و برخورد با تخلفات احتمالی و واگذاری اختیارات بیشتر به ارکان تعاونی ها، اتحادیه ها و اتاق های تعاون اعلام کردید. در قانون تعاون نیز آمده است که وزارت تعاون باید بخشی از وظایف و اختیارات خود، خصوصاً در زمینهٔ امور ثبتی و تبصرهٔ ۳ و تسهیلات بخش تعاون را جهت سهولت و سرعت بیشتر در کارها به اتاق های تعاون واگذار نماید. تاکنون در این راستا چه عملی صورت گرفته است؟»

● **وزیر تعاون:** «بخش تعاون، بخش مردمی اقتصاد است و نیازی نیست که دولت به عنوان آقا بالاسر تعاونی ها و تصمیم گیرنده دربارهٔ



دریای خزر بزرگترین حوزهٔ نفتی بهره برداری نشده در جهان است. طبق برآورد کارشناسان برجستهٔ آمریکا، ذخیرهٔ نفت دریای خزر ۱۷۸ میلیارد بشکه، یعنی نزدیک به ۱۷ درصد کل ذخایر نفتی جهان است و می تواند احتیاجات انرژی آمریکا را برای یک نسل برآورده کند. ذخایر گاز این منطقه نیز در جهان کم نظیر است. ترکمنستان به تنهایی ذخایری معادل ۹ تریلیون متر مکعب دارد که در دنیا چهارم و دو برابر ذخایر گازی آمریکا است.

«هجوم برای طلای سیاه»، به باکو پایتخت آذربایجان در سال های ۱۸۷۰ آغاز شد. کلان سرمایه دارانی چون راکفلرها، راسچایلدها و نویل ها، با همکاری مزدوران تزاری، نفت این منطقه را غارت می کردند. اما مبارزات کارگران نفت باکو در اوایل قرن حاضر، و سپس انقلاب کبیر اکتبر، دست تاراجگر شرکت های بزرگ نفتی آمریکا و انگلیس را از منابع دریای خزر برای نزدیک به هشتاد سال کوتاه کرد.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، «هجوم» دوباره ای برای دستبرد منابع ملی، به ویژه نفت و گاز سرزمین های دریای خزر، که ارزش آن معادل چهار تریلیون دلار (چهار هزار میلیارد دلار) برآورد می شود، آغاز شده است. جنگ ها و ناآرامی های بیپایی در این منطقه پس از جدا شدن از اتحاد جماهیر شوروی، زمینه را برای زد و بندهای پنهانی و تاراج منابع ملی این سرزمین ها بیش از پیش فراهم کرده است. شرکت های فراملیتی، همراه با چهره های سرشناس امپریالیسم، برای غارت این منطقه با عطشی سیری ناپذیر بازگشته اند و کنسرسیوم های عظیم نفتی، که سهام عمدهٔ آن ها متعلق به چند شرکت غول پیکر نفتی آمریکایی و انگلیسی است، از هم اکنون قراردادهای هنگفت چندین میلیارد دلاری برای اکتشاف و استخراج نفت و گاز با دولت های آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به امضاء رسانده اند. امپریالیسم جهانی نه تنها برای نفت و گاز، بلکه برای اجرای نقشه های استراتژیک «نظم نوین جهانی»، می کوشد جای پای خود را در جنوب مرزهای روسیه و شمال مرزهای ایران باز کند و از نابسامانی های کشورهای نوپای منطقه برای کشاندن آنها به ورطهٔ پیمان های نظامی - امنیتی بهره جوید. به گفتهٔ «جیمز بیکر»، وزیر سابق امور خارجهٔ آمریکا در زمان «ریگان»، که اکنون وکیل قانونی بزرگترین کنسرسیوم نفتی فراملیتی در آذربایجان است، مسألهٔ دریای خزر صرفاً «یک مسألهٔ اقتصادی، زمین شناسی یا مهندسی نیست، بلکه یک مسألهٔ درجهٔ یک جغرافیای سیاسی است.»

در نوامبر ۱۹۹۴، نخستین کنسرسیوم عظیم نفتی فراملیتی با سرمایه ای معادل ۸ میلیارد دلار به سرکردگی انحصار انگلیسی «بریتیش پترولیوم» در آذربایجان آغاز به کار کرد. در قرارداد سی سالهٔ این کنسرسیوم با دولت آذربایجان، استخراج ۷۰۰ هزار بشکه در روز تا سال ۱۹۹۷ پیش بینی شده بود. «حیدر علی اف»، رییس جمهور آذربایجان، در سفر خود به آمریکا در ماه اوت ۱۹۹۷، پس از دیدار با کلینتون در کاخ سفید و امضای قراردادهای دوجانبهٔ همکاری و همیاری با دولت آمریکا، به شهر هوستون در تگزاس رهسپار شد و با نمایندگان شرکت های بزرگ نفتی آمریکا دیدارهای پراهمیتی انجام داد. در نتیجهٔ این دیدارها، شرکت ملی نفت آذربایجان قراردادهای جداگانهٔ دیگری را با چهار شرکت غول پیکر نفتی آمریکا به امضاء رساند. در یکی از این قراردادها، که با سرمایه ای دو میلیارد دلاری برای اکتشاف و استخراج نفت و گاز آذربایجان به مدت ۲۵ سال منعقد شده است، شرکت ملی نفت آذربایجان تنها ۲۰ درصد سهام را دارا است و سهامداران دیگر به ترتیب شرکت های آمریکایی «آموکو» با ۳۰ درصد، شرکت آمریکایی «یونوکال» با ۲۵/۵ درصد، شرکت ژاپنی «ایتوچو» با ۲۰ درصد، و شرکت «دلنا» از عربستان سعودی با ۴/۵ درصد می باشند.

شرکت «آموکو» در یک کنسرسیوم دیگر در آذربایجان نیز سهامدار عمده است. این شرکت، «زیبگنیو برززینسکی»، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در دولت کارتر، را به عنوان وکیل قانونی برای دفاع از منافع خود در آذربایجان استخدام کرده است. شرکت آمریکایی «پنرویل» نیز «برنت اسکوکرافت»، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، را به عنوان وکیل منافع خود در این منطقه به استخدام درآورده است. به گفتهٔ «چارلز پیتمن»، مدیرکل شرکت «آموکو» در منطقه: «غیرعادی نیست که با افرادی که تجربه دارند و اشخاص کلیدی را می شناسند مشاورت کنیم». «وافه گولوزاده»، مهم ترین مشاور «حیدر علی اف» در امور بین المللی، اظهار داشته است که «من او [برززینسکی] را دوست دارم او نقش کشورهای دریای خزر و نقش روسیه را درک می کند....» در سال ۹۷، «گولوزاده»، به عنوان نمایندهٔ دولت آذربایجان در اجلاس چهار کشور کرانهٔ دریای خزر (آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و روسیه)، پیشنهاد کرد که این کشورها به پیمان های نظامی - امنیتی، به ویژه به پیمان نظامی «ناتو» بپیوندند. او در دفاع از این پیشنهاد خود خاطر نشان کرد که «نفت ما، طبیعتاً ما را با هم شریک می کند». در واقع امروز، انحصارهای فراملیتی نفتی از جمله «شورون»، «موبیل»، «اکسون»، «آرکو» و «پنرویل» شرکای عمدهٔ دولت آذربایجان را تشکیل می دهند.

رییس جمهور قزاقستان، «نورسلطان نظربایف»، نیز در سفر خود به واشنگتن در اواخر سال ۱۹۹۷، از «شراکت استراتژیک» با دولت آمریکا سخن گفت. «نظربایف» در این سفر قراردادهای مهم اقتصادی و دفاعی - امنیتی با دولت آمریکا و انحصارهای فراملیتی این کشور به امضاء رساند. توافقنامهٔ ۸ میلیارد دلاری با شرکت آمریکایی «تگزاکو» برای استخراج نفت و گاز قزاقستان به مدت چهل سال، و نیز امضای قرارداد مشابهی با انحصار نفتی آمریکایی «موبیل»، از نتایج این سفر «نظربایف» به آمریکا بود. «نظربایف»، پس از امضای یک پیمان جدید نظامی برای بازسازی نیروهای مسلح قزاقستان توسط ارتش آمریکا، اعلام کرد که او در پی ایجاد روابط هرچه نزدیک تر با آمریکا است و تلاش خواهد کرد تا «اقتصاد بازار» در قزاقستان تقویت شود. دولت قزاقستان در ماه نوامبر ۱۹۹۷، قرارداد دیگری نیز با هفت انحصار نفتی آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی برای اکتشاف و استخراج نفت این کشور به امضاء رساند. به دنبال این قراردادها، پانصد هزار سرباز آمریکایی متعلق به «نیروی واکنش سریع» آمریکا تحت

جایگاه دریای خزر در «نظم نوین جهانی»:

امپریالیسم برای قاراج نفت و گاز دریای خزر بازمی گردد!

پ. خورشیدی

فرماندهی ژنرال «شیهان»، از فرماندهان پیمان «ناتو»، در تابستان ۱۹۹۷ در قزاقستان مانور نظامی دادند. معاون وزیر خارجهٔ قزاقستان، «ارلان ادریسف»، این مانور را «تاریخی» خواند و گفت که «پنج سال پیش

هیچ کس حتی خواب چنین چیزهایی را نمی دید که چتربازان آمریکایی از آسمان قزاقستان فرود آیند....». مانور نظامی گسترده ای نیز برای تابستان ۱۹۹۸ در قزاقستان در دست تدارک است.

ترکمنستان نیز به سرعت در چنگال انحصارهای امپریالیستی گرفتار می شود. در اکتبر ۱۹۹۷، کنسرسیوم عظیمی که سهامدار عمدهٔ آن شرکت «یونوکال» است برای ساختمان خط لولهٔ گاز در ترکمنستان ایجاد شد. «یونوکال» ۴۶/۵ درصد سهام این کنسرسیوم را در اختیار دارد، در حالی که سهم دولت ترکمنستان در این کنسرسیوم از ۷ درصد فراتر نمی رود. این کنسرسیوم، و دیگر کنسرسیوم های تشکیل شده در قزاقستان، نیز از چهره های سرشناس و پرنفوذ دولت های امپریالیستی آمریکا و انگلستان برای دفاع از منافع خود بهره می گیرند. «آرتور هارتمن»، سفیر سابق آمریکا در مسکو، رییس شرکتی است که نفت ترکمنستان را خریداری می کند. «ملکم ریفکین» و «تیم ادگار»، وزرای سابق دولت انگلستان، نیز اکنون مشاورین انحصارهای نفتی فعال در این منطقه هستند.

«صفر مراد نیازف»، رییس جمهور ترکمنستان، در تابستان ۱۹۹۷ فرمانی صادر کرد که طبق آن شرکت های بین المللی می توانند آسوده خاطر در جهت اکتشاف و استخراج منابع طبیعی ترکمنستان، به ویژه نفت و گاز، گام بردارند. به دنبال این فرمان، قراردادهای مهمی میان کنسرسیوم های عظیم نفتی بین المللی با دولت ترکمنستان به امضاء رسید. امپریالیسم آمریکا می کوشد تا ترکمنستان را نیز مانند آذربایجان و قزاقستان به همکاری بیشتر با خود، به ویژه در عرصه های نظامی - امنیتی، سوق دهد. «نیازف» برای دیدار با کلینتون در سال ۱۹۹۸ به واشنگتن دعوت شده است.

رمز نقشه های استراتژیک امپریالیسم جهانی برای کنترل منطقهٔ دریای خزر در طرح های آن برای خطوط لوله های نفت و گاز منطقه نهفته است. مسیر لوله های نفت و گاز می تواند توازن سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه را به سود آن کشورهایی که این لوله ها از آن عبور می کنند بر هم بزند. تاریخچهٔ کوتاه جغرافیای سیاسی منطقه در دههٔ ۱۹۹۰ نشان می دهد که جنگ ها و ناآرامی های میان آذربایجان و ارمنستان، روسیه و چین، و دولت گرجستان و مردم ناحیهٔ «ایخازیا»، نه تنها بر سر منابع طبیعی این سرزمین ها، بلکه برای حفظ موقعیت جغرافیایی - سیاسی و اهمیت آن در چگونگی رساندن منابع طبیعی منطقه به بازار سرمایه داری جهانی بوده است.

طرح پیشنهادی از سوی امپریالیسم آمریکا، ساختمان و گسترش دو خط لولهٔ شمالی و غربی را در بر می گیرد: خط لولهٔ شمالی، از باکو به بندر «نوروسیسک» در دریای سیاه، که از قلب «چچن» می گذرد؛ و خط لولهٔ غربی، از باکو به بندر «سیحان» در سواحل مدیترانه، از «نگورنو قره باغ» عبور می کند و از طریق گرجستان به ترکیه می رود. در چارچوب محاسبات استراتژیک امپریالیسم آمریکا برای منطقه، دولت کلینتون به ویژه اصرار دارد که این لوله های نفت و گاز از خاک ایران و روسیه نگذرد، هرچند ارزان ترین و کوتاه ترین راه برای رساندن این منابع به بازار جهان، از طریق خاک ایران به خلیج فارس خواهد بود. هزینهٔ ساختمان خط لولهٔ باکو به «سیحان» در ترکیه عضو «ناتو»، با لولهٔ ۴۲ اینچی برای نفت و ۵۶ اینچی برای گاز به درازای هزار و ششصد کیلومتر، بیش از دو میلیارد دلار برآورد شده است. ساختمان همین خط لوله از باکو به خلیج فارس از طریق خاک ایران، به ویژه با استفاده از برخی از خطوط موجود، کمی بیش از یک میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. اما دولت آمریکا حاضر شده است به منظور جلب موافقت کنسرسیوم های نفتی برای دور زدن ایران، بخشی از هزینه اضافی را از بودجهٔ مردم آمریکا برداخت کند. امپریالیسم آمریکا پافشاری می کند که خطوط لوله های نفت و گاز ترکمنستان نیز، با همین هدف حذف ایران، از افغانستان و با از ترکیه عبور داده شوند.

طی چند سال گذشته، دولت های ایران و روسیه، با استناد به «نظام حقوقی» دریای خزر، قراردادهای امضا شده میان دولت های آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان را با انحصارهای بین المللی غیرقانونی قلمداد کرده اند، زیرا طبق قوانین بین المللی دریای خزر یک دریاچه محسوب می شود و اکتشاف و استخراج منابع آن باید با موافقت و نظارت همهٔ کشورهای کرانهٔ آن انجام گیرد. در سمت مقابل، امپریالیسم جهانی و به ویژه آمریکا این اعتراض های حقوقی را بی پایه خوانده است و کوشیده است تا دولت یلتسین را با برنامه های خود برای منطقهٔ دریای خزر همراه سازد. با توجه به این که دولت روسیه اخیراً تحت فشارهای آمریکا مواضع خود را تعدیل کرده و از اصل «دریاچه بودن» دریای خزر عدول نموده است، باید انتظار داشت که طی چند ماه آینده برنامه های استراتژیک امپریالیسم و انحصارهای بین المللی برای منطقهٔ دریای خزر ابعاد تازه ای به خود بگیرد.

تردیدی نیست که گسترش برنامه های تاراجگرانهٔ امپریالیسم و انحصارهای نفتی جهان در حوزهٔ دریای خزر، به افزایش بیش از پیش تنش ها در سطح منطقه، و گسترش مبارزات ضدامپریالیستی خلق های کرانهٔ دریای خزر در دفاع از منابع طبیعی ملی خود، خواهد انجامید. ■



اخگر

اخبار جهان

- تلاش آمریکا برای محکوم کردن کوبا در سازمان ملل شکست خورد**

روز سه شنبه ۲۱ آوریل، اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو قطعنامهٔ پیشنهادی دولت آمریکا را برای محکوم کردن کوبا به بهانهٔ زیر پا گذاشتن موازین حقوق بشر در این کشور رد کرد. قطعنامهٔ پیشنهادی آمریکا از کوبا می خواست که «حقوق بشر و آزادی های اساسی را مراعات کند» و «افراد متعددی را که به خاطر فعالیت های سیاسی بازداشت شده اند آزاد سازد». نوزده کشور، از جمله چین و روسیه، به این قطعنامه رأی مخالف، و شانزده کشور، از جمله آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان، به آن رأی مثبت دادند. هجده کشور دیگر، از جمله بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، از دادن رأی خودداری کردند. طی سال های اخیر، کوشش های آمریکا برای اعمال فشار بر کوبا به شکلی فزاینده حمایت بین المللی خود را از دست داده است. کشورهای فرانسه و آلمان، که خود در سال ۹۷ از پیشنهاد دهندگان قطعنامهٔ مشابهی علیه کوبا بودند، امسال حاضر نشدند نام خود را به عنوان پیشنهاد دهندگان این قطعنامه در کنار نام آمریکا قرار دهند.

- توافق تازهٔ آمریکا و اروپا در مورد سیاست تحریم کوبا، لیبی و ایران**

بر اثر فشار دولت های اروپایی و همچنین اعتراض گستردهٔ شرکت های فراملیتی آمریکا، دولت آمریکا بالاخره ناچار شد تا سیاست تحریم اقتصادی خود علیه کوبا، لیبی و ایران را «تعدیل» کند و در این رابطه با اتحادیهٔ اروپا به توافق برسد. بر اساس این توافق، که در ماه مه انجام گرفت، دولت آمریکا پذیرفت که مجازات شرکت هایی را که با این سه کشور قراردادهای اقتصادی امضاء می کنند «به طور دائمی» سازد. در سمت مقابل، اتحادیهٔ اروپا موافقت کرد تا همراه با آمریکا، در تهیهٔ یک فهرست جهانی از اموالی که توسط کوبا و دیگر دولت ها به طور «غیرقانونی» مصادره شده اند[!] (منظور همان ملی کردن است) شرکت جویند. این فهرست قرار است به عنوان مبنای جلوگیری از سرمایه گذاری شرکت های فراملیتی در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گیرد. دولت های اتحادیهٔ اروپا همچنین با آمریکا توافق کرده اند تا «از بهبود روابط اقتصادی و سیاسی خود با کوبا، تا زمانی که حقوق بشر و دموکراسی در این کشور بهبود نیافته است، خودداری کنند.»!

- امضای قرارداد همکاری های اتمی میان اوکراین و آمریکا**

در روز ششم ماه مه، دولت های اوکراین و ایالات متحدهٔ آمریکا یک قرارداد دوجا نبهٔ همکاری های اتمی میان دو کشور به امضاء رساندند. بر اساس این قرارداد، دولت آمریکا مبلغ ۳۰ میلیون دلار به عنوان کمک برای مدرنیزه کردن صنایع انرژی اتمی در «کیف»، در اختیار دولت اوکراین قرار خواهد داد. برای امضای این قرارداد، دولت آمریکا اوکراین را وادار کرد تا طرح قرارداد ۴۵ میلیون دلاری همکاری های اتمی خود را با ایران ملغی سازد. دولت اوکراین طرح قرارداد خود با دولت ایران را در ماه مارس گذشته ملغی اعلام نمود. همچنین، این دولت در حال حاضر سوخت مورد نیاز برای نیروگاه های اتمی خود را از روسیه خریداری می کند، اما دولت آمریکا می کوشد اوکراین را به خرید این سوخت از غرب وادار سازد.

- کمک ۳۶ میلیون دلاری آمریکا به مخالفان «سوهارتو» در اندونزی!**

از زمان تعمیق بحران سیاسی در اندونزی در سال ۹۵ تا کنون، دولت آمریکا، در عین حمایت از دولت «سوهارتو»، رقمی معادل ۲۶ میلیون دلار نیز به مخالفان «سوهارتو» در این کشور کمک رسانده است! این کمک ها توسط «آژانس بین المللی توسعه»، که ظاهراً به منظور کمک به راه سازی و سد سازی در کشورهای جهان سوم ایجاد شده است، در اختیار برخی سازمان های «حقوق بشر» و «مدافع دموکراسی» در اندونزی قرار گرفته است. طبق گفتهٔ «شارون کریمر» معاون شعبهٔ این «آژانس» در اندونزی، «این پول در کل کمک های خارجی آمریکا رقم بزرگی نیست، اما به عنوان بزرگترین منبع درآمد برای بسیاری از سازمان های اپوزیسیون، توانسته است موجودیت و ادامهٔ فعالیت آنها را در زیر اختناق موجود تضمین کند». برخی از این سازمان های تحت پوشش امپریالیسم آمریکا، از جمله «جامعهٔ کمک های حقوقی اندونزی»، توانسته اند با تکیه بر این کمک ها، خود را در جایگاه رهبری جنبش اپوزیسیون در اندونزی قرار دهند!

- کشورهای اوپک در سه ماه اول سال جاری ۸ میلیارد دلار ضرر کردند**

بر اساس برآوردهای انجام شده، بر اثر سقوط بهای نفت در بازار جهانی، ۱۱ کشور عضو اوپک در مجموع بیش از هشت میلیارد دلار ضرر کرده اند. سقوط درآمد نفتی در سه ماه اول سال جاری برای عربستان سعودی ۲/۴ میلیارد دلار، برای ایران و فنزوئلا یک میلیارد دلار، برای کویت ۶۰۰ میلیون دلار، و برای نیجریه و امارات متحده هر یک ۷۰۰ میلیون دلار محاسبه شده است. طبق برآورد کارشناسان، بهای نفت در سه ماههٔ اول سال جاری به طور متوسط ۴/۵ دلار کمتر از ماه های مشابه در سال ۹۷ بوده است.

- رشد بی سابقهٔ بیکاری در ژاپن**

نرخ بیکاری در ژاپن در ماه مارس به بالاترین حد خود طی ۴۵ سال گذشته رسید و از مرز ۳/۹ درصد فراتر رفت. در این ماه، با افزوده شدن ۳۱۰ هزار نفر به خیل بیکاران این کشور، تعداد کل آنها به رقم بی سابقهٔ ۲/۷۷ میلیون نفر رسید که نسبت به ماه پیش از آن ۱۲ درصد افزایش نشان می دهد. این در حالی است که در ژاپن، کسی که حتی یک ساعت در ماه کار کرده باشد، شاغل محسوب می شود. در صورت محاسبهٔ نرخ بر اساس استانداردهای اروپا و آمریکا، این رقم بسیار بیش از میزان اعلام شده (حدود ۷/۲ درصد) خواهد بود. کارشناسان اقتصادی پیش بینی می کنند که نرخ بیکاری در ژاپن در ماه های آینده سال جاری همچنان سیر صعودی خواهد داشت و از رقم ۴/۵ درصد فراتر خواهد رفت.

انترناسیونالیسم پرولتری نه یک شعار سیاسی بلکه یک ضرورت تاریخی در شرایط جهانی شدن سرمایه است!

در جهان سرمایه

استثمار شدید کارگران ویتنام توسط کمپانی «والت دیسنی»

کمپانی آمریکایی «والت دیسنی» که به خاطر ساختن فیلم‌های کارتون در سطح جهان معروف است، این روزها از طریق استثمار شدید کارگران زن و خردسال ویتنام سودهای کلان به جیب می‌زند. شرکت‌های وابسته به «والت دیسنی» در ویتنام، که به کار تولید عروسک‌های کوچک از شخصیت‌های فیلم‌های کارتون این کمپانی اشتغال دارند، در مقابل شیفت کار روزانهٔ ۹–۱۰ ساعته، به کارگران خود برای هر ساعت کار فقط ۶ تا ۸ سنت آمریکایی (۲۵۰ دلار در سال) دستمزد پرداخت می‌کنند. این در حالی است که رییس کمپانی «والت دیسنی»، «مایکل آیزنر»، به تهایبی در سال گذشته حقوقی معادل ۷۵ میلیون دلار دریافت کرده است! کارگران ویتنامی کمپانی «والت دیسنی» از نظر بهداشت و حفاظت محیط کار نیز در شرایط بسیار دشواری به سر می‌برند. تنها در سال گذشته، ۲۰۰ کارگر خط تولید این کمپانی در ویتنام به خاطر تماس مداوم با مواد شیمیایی سمی و نبود سیستم تهویه مناسب در کارخانه، به شدت بیمار و روانهٔ بیمارستان شده‌اند. عروسک‌های ساخت «والت دیسنی» در رستوران‌های «مک دونالد» در سراسر جهان همراه با غذا میان کودکان توزیع می‌شود.

هزاران کودک بی‌خانمان در مسکو از راه گدایی روزگار می‌گذرانند

طبق برآورد «دوما»ی روسیه، در حال حاضر در شهر مسکو بین ۳۰ تا ۵۰ هزار کودک بی‌خانمان زندگی می‌کنند که معاش اغلب آنها از راه گدایی تأمین می‌شود. امروز در مسکوی تحت رهبری پلتنسین، وادار کردن کودکان به گدایی به منبع درآمدی بزرگ برای باندهای جنایتکار شبه مافیایی بدل شده است. این جنایتکاران به طور متوسط هر یک بین ده تا پانزده کودک را تحت کنترل خود دارند که از طریق وادار کردن آنها به گدایی پول‌های هنگفت به جیب می‌زنند. طبق برآوردهای انجام شده، در مسکو، یک دختر بچهٔ هفت یا هشت ساله قادر است درآمدی معادل ۱۰۰ هزار روبل در روز برای کارفرمای خود ایجاد کند.

تمرکز ثروت همراه با رشد بی‌سابقهٔ بیکاری در سطح جهان

در حالی که سیاست‌های نئولیبرالی تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی هر روز هزاران انسان را در کشورهای سرمایه‌داری جهان به ورطهٔ فقر و بیکاری سوق می‌دهد، ثروتمندان این کشورها از قبل همین سیاست‌ها، به اندوختن ثروت‌های نجومی مشغول‌اند. طبق گزارش «فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری»، تعداد بیکاران در سطح جهان به شدت در حال افزایش است و امروز به سطح ۸۵۰ میلیون نفر رسیده است. از سوی دیگر، طبق گزارش روزنامهٔ

«ساندی تایمز»، چاپ لندن، در آغاز سال ۱۹۹۸، هزار نفر از ثروتمندترین اتباع انگلستان در مجموع بیش از ۷۳/۳ میلیارد پوند انگلیس (بیش از ۱۲۲ میلیارد دلار) ثروت داشته‌اند که نسبت به رقم مشابه در سال ۱۹۸۹ (۳۸ میلیارد پوند) نزدیک به دو برابر شده است!

برای پرستاران پول نیست، اما برای مدیران هست!

وزیر بهداشتی دولت انگلستان در ماه آوریل اعلام کرد که به دلیل کمبود بودجه، از افزایش حقوق ۳/۸ درصدی کارآموزان پرستاری این کشور در سال جاری تنها ۲ درصد پرداخت خواهد شد. با توجه به حقوق ۴۳۵۰ پوندی کارآموزان پرستاری در سال جاری، این افزایش حقوق معادل رقم ناچیز ۱۲۲ پوند در سال می‌شد که دولت از پرداخت ۳۵ پوند آن سر باز زده است. اما، علی‌رغم ادعای دولت انگلستان مبنی بر نداشتن بودجهٔ کافی برای پرداخت اضافه حقوق پرستاران، چند روز پس از اعلام این تصمیم از سوی وزارت بهداشتی، معلوم شد که دولت با افزایش حقوق ۵/۲ درصدی مدیران درجهٔ یک وزارت بهداشتی، که متوسط حقوق آنها حدود ۱۰۰ هزار پوند در سال است موافقت کرده و آن را پرداخت خواهد نمود. بدین ترتیب، مدیران عالی رتبهٔ وزارت بهداشتی انگلستان هر یک اضافه حقوقی معادل ۵۲۰۰ پوند دریافت خواهند کرد که معادل ۱۲۰ درصد کل حقوق کلانۀ یک کارآموز پرستاری این کشور است!

اعتصاب سراسری کارگران، کشور دانمارک را فلج کرد

از روز ۲۷ آوریل گذشته، بیش از نیم میلیون کارگر دانمارکی طی یک اعتصاب سراسری دست از کار کشیدند و با اعتصاب خود همهٔ فعالیت‌ها را در سراسر دانمارک به فلج کشاندند. این اعتصاب، که تحت رهبری اتحادیه‌های صنعتی این کشور انجام گرفته است، به دنبال رد درخواست کارگران برای ۴/۵ درصد افزایش حقوق و افزودن یک هفته به تعطیلات کارگران به وقوع پیوست. اتحادیه‌های کارگری اعلام کرده‌اند که کارگران آماده‌اند تا زمان دستیابی به خواست‌های خود از حضور در محل کار خودداری کنند. با وجود این که اعتصاب نیم میلیون کارگر در کشوری با پنج میلیون جمعیت، همهٔ ابعاد زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده است، اما این اعتصاب از حمایت وسیع توده‌های مردم برخوردار است. در عین حال، «فدراسیون ملی اتحادیه‌های کارگری دانمارک» اعلام کرده است که خدمات در عرصه‌های حیاتی مورد نیاز مردم، از جمله بیمارستان‌ها و مراکز اورژانس «بدون به مخاطره انداختن کارآوری اعتصاب» ادامه خواهد یافت. حمایت وسیع مردم از کارگران اعتصابی از یک سو، و سقوط بورس سهام و صدمهٔ هنگفتی ۵۵۶ میلیون دلاری این اعتصاب به اقتصاد دانمارک از سوی دیگر، دولت سوسیال‌دموکرات «پول نیروپ راسموسن» را به شدت نگران کرده است.

پیروزی بزرگ کارگران اعتصابی بنادر در استرالیا

اعتصاب گستردهٔ یک ماههٔ کارگران بنادر استرالیا، به دنبال صدور حکم محکومیت شرکت «پاتریک» از سوی دادگاه عالی این کشور، با موفقیت چشمگیر پایان یافت. این اعتصاب که تحت رهبری «اتحادیهٔ کارگران بنادر استرالیا» در عکس‌العمل به اخراج دو هزار کارگر بنادر به بهانهٔ عضویت آنها در اتحادیه آغاز شد، دولت استرالیا را وادار کرد که دست از حمایت آشکار خود از شرکت «پاتریک» بردارد و اخراج دو هزار کارگر را توسط این شرکت غیرقانونی اعلام دارد. حمایت گستردهٔ مردم از اعتصاب نیز در این تصمیم دولت نقش اساسی داشت. براساس حکم دادگاه، کارگران اخراجی باید به کار خود بازگردانده شوند.

اما علی‌رغم حکم دادگاه، شرکت پاتریک ۲۸ نفر از این کارگران را «عناصر نامطلوب» اعلام کرده است و از استخدام مجدد آنها خودداری می‌کند. «جان کومبیز»، رییس اتحادیهٔ کارگران بنادر استرالیا اعلام کرد که این اتحادیه «به هیچ چیز کم‌تر از بازگشت کامل هر دو هزار کارگر به کار خود قانع نخواهد شد». حمایت اولیهٔ دولت از شرکت پاتریک در برابر کارگران، آنها را به این نتیجه رسانده است که دولت استرالیا نیز در این توطئه علیه کارگران بوده است. به همین دلیل، کارگران اعتصابی اکنون خواهان برکناری دولت هستند.

در جنبش جهانی کمونیستی

بیانیهٔ حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) در مورد آزمایش سلاح‌های هسته‌ای توسط دولت این کشور

هیأت سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، طی بیانیه‌ای که در روز ۱۳ ماه مه منتشر ساخت، نظر این حزب را در مورد آزمایشات هسته‌ای اخیر انجام شده توسط دولت این کشور اعلام داشت. در این بیانیه آمده است:

دولت تحت رهبری حزب «بی. ج. پی» در رابطه با سیاست حیاتی هسته‌ای هندوستان راهی را در پیش گرفته است که از سیاست ملی پذیرفته شده در دههٔ گذشته فاصلهٔ بسیار دارد. طی چند روز گذشته، پنج آزمایش هسته‌ای به شکلی پیاپی و سریع در «پوکران» انجام گرفته است. دولت «واجپایی» در این رابطه نه با احزاب سیاسی و مردم کشور مشورت کرده است و نه زحمت مطلع کردن آنها را از علل دست زدن به چنین عملی به خود داده است. آزمایشات اخیر روشن می‌سازد که دولت «واجپایی» قصد دارد در جهت اجرای سیاست اعلام شدهٔ حزب خود مبنی بر «استفاده از حق به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای» حرکت کند. این تغییر یک جانبه در سیاست هسته‌ای هندوستان از سوی دولتی انجام می‌گیرد که از اکثریت شکننده‌ای برخوردار است و هنوز ثبات خود را به دست نیاورده است. پیامدهای این سیاست جدید برای صلح در جنوب آسیا و احتمال از سر گرفته شدن رقابت‌های هسته‌ای در منطقه مسأله‌ای است که باید مورد توجه همهٔ مردم صلح‌جو و شهروندان میهن دوست قرار گیرد. ایالات متحدهٔ آمریکا و کشورهای غربی که سلاح‌های هسته‌ای در اختیار دارند، و دیگر دولت‌هایی که از نظم هسته‌ای نابرابر کنونی دفاع می‌کنند، هیچ‌گونه حقی برای تحمیل مجازات به هندوستان ندارند.

دولت «واجپایی» همچنین آمادگی خود را برای امضای «قرارداد همه جانبهٔ منع سلاح‌های هسته‌ای» اعلام کرده است. در این رابطه نیز، سیاست ملی مورد پذیرش همگان، خودداری از امضای قراردادهای نابرابری است که حق حاکمیت ملی هندوستان را خدشه دار می‌سازند. لازم است که دولت «واجپایی»، پیش از اتخاذ هر سیاست عمده و حیاتی برای منافع کشور که در تخلف از سیاست‌های گذشته قرار گیرد، با همهٔ احزاب سیاسی و مردم کشور مشورت کند.

اطلاعیهٔ مطبوعاتی حزب کمونیست اسرائیل به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس این کشور

کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اسرائیل همگان را فرا می‌خواند تا پنجاهمین سالگرد را از طریق مبارزهٔ مشترک برای پیشبرد روند سیاسی، پایان بخشیدن به اشغال نظامی، متوقف کردن ساختمان مناطق یهودی نشین، و دستیابی به صلح پایدار از طریق ایجاد دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیل؛ برای ساختمان یک اسرائیل مستقل و دموکراتیک، یعنی سرزمینی برای مردم زحمتکش که در آن برابری ملی و مدنی برای همهٔ شهروندان و زنان برقرار شده باشد، برگزار نمایند. کمونیست‌های یهودی و عرب، بر اساس وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی خود در چارچوب حزب کمونیست اسرائیل، خدمات شایانی به مبارزات مردم اسرائیل و فلسطین در راه دستیابی به زندگی همراه با صلح،

استقلال ملی، دموکراسی، برابری واقعی و عدالت اجتماعی نموده‌اند. کمونیست‌ها، در صف مقدم مدافعان صلح و مخالفان نژادپرستی، برای دهه‌ها در شرایط مخفی و زیر پیگرد، برای استقلال این کشور از سلطهٔ انگلستان و دفاع از حق تعیین سرنوشت هر دو ملت فلسطین و اسرائیل مبارزه کرده‌اند. . . . از زمان تصویب قطعنامهٔ تقسیم [۲۹ نوامبر ۱۹۴۷]، کمونیست‌های اسرائیلی به طور پیگیر و خدشه‌ناپذیر خواستار حل عادلانهٔ مسألهٔ اسرائیل-فلسطین از طریق اجرای همهٔ مفاد قطعنامهٔ سازمان ملل بوده‌اند. ما هیچ‌گاه خواست تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی را در کنار دولت اسرائیل، حتی زمانی که در این موضع خود تنها بودیم، به کنار نگذاشتیم. امروز، پس از گذشت پنجاه سال از تصویب قطعنامهٔ سازمان ملل در سال ۱۹۴۷، بسیاری از مردم بدین نتیجه رسیده‌اند که در صورت اجرای کامل این قطعنامه در پنجاه سال پیش، خلق‌های هر دو کشور از این همه ماتم و صدمه و زجر مصون مانده بودند و صلح پایدار در منطقه حکمفرما می‌بود.

پس از تصویب قطعنامهٔ سازمان ملل در سال ۱۹۴۷، رهبری صهیونیست در این کشور اعلام کرد که قطعنامه را پذیرفته است. اما تجربهٔ تاریخی نشان می‌دهد که این رهبری از همان ابتدا و پیگرانه همهٔ کوشش خود را برای جلوگیری از اجرای کامل این قطعنامه و ممانعت از تشکیل یک دولت عرب-فلسطینی در کنار دولت اسرائیل به کار برده است. . . .

پنجاه سال پس از آن وقایع سرنوشت‌ساز که به تشکیل دولت اسرائیل انجامید، دولت فلسطین هنوز تشکیل نشده است و مسألهٔ آوارگان فلسطینی به یک زخم باز بدل گشته است. حزب کمونیست اسرائیل بار دیگر اعلام می‌کند که دستیابی به یک راه حل عادلانه برای مسألهٔ اسرائیل-فلسطین همچنان هدف استراتژیک مبارزات سیاسی حزب را تشکیل می‌دهد. . . .

بدون یک قرارداد صلح که در چارچوب آن یک دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیل و در سرزمین‌های اشغال شده در ژوئن ۱۹۶۷ تشکیل شود، بدون حل مسألهٔ ایجاد دو پایتخت در اورشلیم، و بدون حل مسألهٔ آوارگان فلسطینی، دولت اسرائیل قادر نخواهد بود در امنیت به سر برد و به استقلال و رفاه اقتصادی واقعی دست یابد. . . .

«اخگر» را با کمک‌های مالی خود یاری دهید

لطفاً کمک‌های مالی خود را به حساب بانکی «اخگر» واریز کنید و کپی قبض رسید آن را به آدرس نشریه بفرستید.

نام بانک: Bank of New York
شمارهٔ حساب (به نام «اخگر»): 6105761005
کد بانکی: 021202719

علاقه‌مندان در آمریکا می‌توانند کمک مالی خود را به صورت چک یا حوالهٔ بانکی در وجه «اخگر» مستقیماً به آدرس نشریه ارسال دارند.

آدرس پستی:

Akhgar
P.O. Box 250808
Columbia University
NY, NY 10025, USA

آدرس پست الکترونیک:
akhgar@akhgar.org

آدرس اینترنت:

http://www.akhgar.org

نشریهٔ ماهانهٔ مدافعان سوسیالیسم علمی

اخگر